نقش سهامداران نهادی در رابطهٔ بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی

اکبر مستانه [۱]
عسگر پاک‌مرام [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر در پی بررسی نقش سهامداران نهادی در رابطه میان کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی است. جهت عملیاتی کردن کیفیت افشا از رتبه‌بندی شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار تهران توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردیده و همچنین در این تحقیق به پیروی از کار پلسکو (۲۰۰۴) و دسا و دارماپالا (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات و از اطلاعات صورت سود و زیان برای تخمین سود مشمول مالیات استفاده شده است. نهایتاً برای سهامداران نهادی دو سطح در نظر گرفته شده است؛ سطح بالا و سطح پایین. سهامدارانی که بیش از۵۰ درصد سهام را دارند سطح بالا و سهامداران کمتر از۵۰ درصد سطح پایین می‌باشند. در این پژوهش، تعداد ۱۰۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۸۵ بررسی شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی و علّی پس رویدادی و روش آزمون فرضیه‌ها، آزمون همبستگی و رگرسیون خطی چندمتغیره و آزمون تفاوت میانگین‌های دو جامعه مستقل است. برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزارهای Eviews۷ و SPSS۱۶ استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکتهای با اجتناب مالیاتی، کیفیت افشاء کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد و سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تاثیر آماری معناداری ندارد. همچنین، در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی بالا بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و به لحاظ آماری معناداری وجود دارد و در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی پایین بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه آماری معناداری مشاهده نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: سهامداران نهادی، کیفیت افشا، اجتناب مالیاتی، بورس اوراق بهادار

۱.کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب
۲.استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب (نویسنده مسئول) pakmaram@bonabiau.ac.ir

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان گروهی از سرمایه‌گذاران، به واسطه دسترسی به منابع عظیم مالی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی بازار سرمایه ایفا می‌کنند (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۶۰). افشا در حسابداری واژه‌ای فراگیر است و تقریباً تمامی فرآیند گزارشگری مالی را در بر می‌گیرد. یکی از اصول اولیه حسابداری اصل افشای کلیه واقعیت‌های با اهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری است. اصل مزبور ایجاب می‌کند که صورت‌های مالی به گونه‌ای تهیه و ارائه شوند که از لحاظ هدف‌های گزارشگری اولاً به موقع، مربوط و قابل اعتماد و ثانیاً قابل مقایسه و قابل فهم باشند؛ یعنی بتوانند استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در اتخاذ تصمیمات آگاهانه کمک کنند (بنی مهد و محسنی شریف، ۱۳۸۹: ۵۲). یکی از اقلامی که از سود شرکت‌ها کسر می‌گردد تا سود قابل تقسیم بین سهامداران به دست آید، سهم و حق دولت از سود یا همان مالیات است. با توجه به اینکه پرداخت مالیات منجر به کاهش سهم سهامداران می‌شود، طبیعی است که آنها استراتژی‌هایی را برای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت به کار گیرند که یکی از این استراتژی‌ها فرار مالیاتی است (رسائیان و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است (پاسترناک و ریکو، ۲۰۰۸: ۳۶). اجتناب از پرداخت مالیات، به فعالیت‌های غیرقانونی کاهندهٔ درآمدهای دولت (که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است)، مربوط نمی‌شود (نور و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۹۰). تصور نتایج اجتناب از پرداخت مالیات، می‌تواند مهمترین بحث در تحقیق‌های پیرامون این موضوع باشد (خدامی پور و امینی نیا، ۱۳۹۲: ۱۳۶). افشای سودمند عموماً زمانی ارائه می‌شوند که شرکت نیاز به تامین مالی دارد همچنین کیفیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها ممکن است با میزان قرینگی اطلاعاتی رابطه داشته باشد (رحیمیان و ابراهیمی میمند،۱۳۹۲: ۳). سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها و نقش راهبردی خود، از نفوذ قابل ملاحظه ای در شرکت‌های سرمایه‌پذیر برخوردار بوده و محرک‌هایی برای نظارت بر فعالیت‌های آنها دارند. ضمن آنکه از انگیزه و توان کافی نیز برای اعمال کنترل دقیق بر مدیران و ایجاد تغییر در ساختارهای مدیریتی برخوردارند (عباسی و احمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). با توجه به نقش انکارناپذیر سهامداران نهادی در کیفیت افشا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که با در نظر گرفتن سهامداران نهادی، رابطه کیفیت افشا با اجتناب مالیاتی چگونه است؟

از آنجا که مالکان نهادی بزرگترین گروه از سهامداران را تشکیل می‌دهند، نقش آنها در نظارت بر

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

رویه‌های اتخاذ شده از سوی مدیران از اهمیت بالایی برخوردار است و انتظار می رود حضور این مالکان در ترکیب سهامداران بر رویه‌های شرکت مؤثر باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸). به طور کلی، مالیات نقش و سهمی مهم به عنوان نخستین و مهمترین منبع درآمدهای عمومی در تامین هزینه‌های عمومی ایفا می‌کند و از اهمیت و جایگاه ویژه ای نزد دولتها برخوردار است، و از طرفی دیگر مساله اجتناب مالیاتی در ایران همچون روغن در قلب اقتصادی می‌باشد، که اگر پیشگیری نشود اثرات جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت و برای رهایی از این امر نظام مالیاتی کشور نیازمند سال‌ها برنامه‌ریزی دقیق، فرهنگ‌سازی، طراحی سیستم‌های اطلاعاتی قوی، برخوردهای قاطع با افراد و نظارت‌های بیشتر خواهد بود. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که نتایج این پژوهش، موجب شناخت بیشتر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش سهامداران نهادی خواهد شد. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش حاضر پی برد. این مقاله نیز ابتدا به مبانی نظری و پیشینه مطالعه مروری داشته و سپس به روش‌شناسی پژوهش و یافته‌های پژوهش اشاره نموده و در نهایت به بحث و نتیجه گیری پرداخته و پیشنهاداتی را ارائه نموده است.

۲- مبانی نظری

ادبیات پژوهش در چهار بخش سهامداران نهادی، کیفیت افشا، اجتناب مالیاتی و برگزیده پیشینه تحقیقات گذشته مورد بررسی قرار گرفته است:

سهامداران نهادی

موضوع سهامداران نهادی، از دو نظر قابل طرح است: ۱.مفهوم نظارت کارآمد و ۲. مفهوم همگرایی منافع. این دو مفهوم در توجیه نتایج به دست آمده از تحقیقات زیادی است که در مورد سهامداران نهادی انجام شده است؛ به گونه ای که از منظر نظارت کارآمد، وجود سهامدارن نهادی به استقرار نظام حاکمیت شرکتی منجر شده، و از هزینه نمایندگی می‌کاهد. در ضمن، کاهش نوسان‌پذیری بازده سهام و فرض وجود رابطه معکوس بین سهامداران نهادی و نوسان پذیری قابل درک است (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

کرنت و همکاران (۲۰۰۷) مالکیت بیشتر سهام را یکی از عوامل نظارت مؤثرتر سرمایه‌گذاران نهادی بر شرکت‌ها دانستند. سرمایه گذاران نهادی با مالکیت سهام بیشتر، از انگیزه، منابع، فرصت و توانایی لازم برای نظارت بر مدیران برخوردار می‌شوند. زیرا آنان هم می‌توانند بر مدیریت شرکت نفوذی چشمگیر داشته باشند و هم می‌توانند منافع گروه سهامداران را همسو کنند که این امر، از فعالیت‌های نظارتی که سرمایه گذاران انجام می‌هند، نشئت می‌گیرد (گل ارضی و زنگوری، ۱۳۹۲: ۶۹). این تفکر و نگاه سنتی که توزیع

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

مالکیت سهام شرکت اثری بر ارزش شرکت ندارد، توسط مطالعات جنس و مکلینگ به چالش کشیده شد. این مطالعات پیش‌بینی کردند که ارزش شرکت تابعی از چگونگی تخصیص سهام بین افراد درونی (نظیر مدیران) و بیرونی (نظیر سهامداران نهادی) شرکت است. ساختار مالکیت که روزگاری برل و مینز(۱۹۳۲) به خاطر «پراکند گی مالکیت» به آن انتقاد کردند، اخیراً متمرکز شده است (باقرآبادی و دادبه، ۱۳۹۳). در ادبیات حاکمیت شرکتی، دو نگرش در مورد سرمایه‌گذاران نهادی وجود دارد. فرضیه نظارت کارآمد بیان می‌کند که با سرمایه‌گذاری بیشتر سهامداران نهادی، نظارت کارآتری توسط آنها اعمال می‌شود و فرضیه همگرایی منافع، اختلافات عقیده و مشاجرات نمایندگی به احتمال قوی برطرف می گردد. در مقابل بیان می دارد که سهامداران نهادی بزرگ، اتحاد و پیوستگی استراتژیکی با مدیریت دارند (چانگ و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۴-۳۵).

کیفیت افشا

طبق فرهنگ لغت کهلر، افشا عبارت است از نمایش واضح یک واقعیت یا یک وضعیت در ترازنامه و یا صورتهای مالی دیگر و یادداشت‌های همراه آنها و یا در گزارش حسابرسی. افشا باید از طریق گزارشات قانونی صورت گیرد و حاوی تمامی اطلاعات با اهمیت و به موقع باشد (خدامی‌پور و بزرایی، ۱۳۹۲: ۲۴). بلکویی، افشا را در برگیرنده، اطلاعاتی می‌داند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع شود و موجب گمراهی خواننده نگردد. به صورتی آشکارتر، اصل افشا بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهمی مورد توجه و علاقه سرمایه‌گذار معمولی، نباید حذف و یا پنهان شود. بنی مهد و محسنی شریف اطلاعات مالی مربوط را اعم از اطلاعات داخل و خارج از صورت‌های مالی می‌دانند (بنی مهد و محسنی شریف، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳).

از عواملی که منجر به ریسک اطلاعات می‌شود، اطلاعات نامتقارن (اطلاعات نابرابر) است که بیانگر وضعیت عدم اطمینان سهامداران به اطلاعات افشا شدهٔ شرکت است زیرا این احتمال وجود دارد که مدیران اطلاعات مهم را افشا نکنند و در مقایسه با سرمایه گذاران، دارای اطلاعات بیشتری در مورد عملیات و جنبه‌های مختلف آتی شرکت باشند. بنابراین یکی از معیارهایی که ریسک اطلاعاتی را می‌تواند پوشش دهد، معیار کیفیت افشا توسط شرکت است. کیفیت افشای بالا می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و مسئله انتخاب نادرست را کاهش دهد (دستگیر و شهرزادی، ۱۳۹۲: ۱۹). افشای صحیح و به موقع اطلاعات، از جمله ابزارهای با اهمیت مدیران شرکتها جهت کاهش هزینه سرمایه می‌باشد (مشایخی و فرهودی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

طبق تئوری نمایندگی به دلیل تضاد منافع میان مدیر و مالک، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی جهت کمینه نمودن این تضاد منافع هستند. برای نظارت بر قراردادهای نمایندگی باید شرکت مخارجی متحمل شود که این امر می‌تواند سبب کاهش پاداش مدیران شود. بنابراین مدیران برای کمینه کردن هزینه‌های نظارت بر نمایندگی، این انگیزه را پیدا می‌کنند تا اطلاعات حسابداری را به شکل قابل اتکا و به‌موقع در اختیار افراد برون سازمانی قرار دهند. بنابراین افشای بیشتر اطلاعات می‌تواند منجر به کاهش مخارج نظارت بر نمایندگی شده و جریان‌های نقدی که به سهامداران تعلق می‌گیرد را افزایش دهد و خواه ناخواه ارزش شرکت افزایش یابد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸). ارائه اطلاعات شفاف و اثرگذار از طرف واحدهای اقتصادی امکان برآورد دقیق و صحیح سود واحد تجاری توسط تحلیلگران مالی را فراهم خواهد کرد و امکان مدیریت سود توسط افراد درون سازمانی را کاهش خواهد داد (آتوود و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳۴). وجود شفافیت در فعالیت‌های واحد اقتصادی، درک سرمایه‌گذاران را از فعالیت‌های مدیریت افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند و نگرانی مالکان را از هزینه‌های پنهان اجتناب مالیاتی کاهش می‌دهد (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

اجتناب مالیاتی

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می گردد زیرا ابزار و امکانات دست یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است (پوریان، ۱۳۹۳: ۲). مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اطلاق می‌شود (رسائیان و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۶۴). مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده‌ای در بسیاری از تصمیمات شرکت‌ها هستند. همچنان که سیاست‌گذاران مالیاتی باید با شناخت بهتری از این وابستگی برای توسعه راهکارهای اثربخش برای پرداختن به کمبودهای موجود در روش‌های مدیریت مالیات داخلی شرکت‌ها برخوردار باشند. این کار باید به بهبود تلاش‌های دولت در کسب درآمد مالیاتی حاصل از مالیات شرکتی بیانجامد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

دیرینگ و همکاران (۲۰۰۷) اجتناب مالیاتی را به عنوان توانایی پرداخت مقدار کمی از مالیات بر درآمد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

نقدی نسبت به سود قبل از مالیات شرکت تعریف کرده‌اند (فروغی و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). تفاوت بین فرار مالیاتی یا اجتناب مالیاتی چیست؟ فرار مالیاتی یک نوع تخلف از قانون است، اما اجتناب از مالیات ناشی از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها می‌باشد. در اجتناب از پرداخت مالیات فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات دنبال راههای گریز می‌گردد. به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است (باقرپور ولاشانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

به‌طورکلی فعالیت‌های فرار مالیاتی که باعث کاهش انتقال وجه از سهامداران به دولت می‌شود باید ثروت سهامداران را افزایش دهد. با این حال، از دیدگاه نمایندگی، مدیرهای فرصت طلب تکنولوژی‌های فرار مالیاتی را در جهت پیشبرد مدیریتی به کار می‌گیرند و نه سهامداران و منافع آنها. برای محافظت سود از مراجع مالیاتی، مدیران اغلب در تلاش برای مبهم کردن قصد و هدف اصلی معاملاتی هستند که برای فرار از مالیات انجام می‌شود. دیدگاه نمایندگی فرار مالیاتی حاکی از آن است که فرار مالیات ممکن است همیشه از دید سهامداران مطلوب نباشد، زیرا هزینه‌های ترکیب شده، شامل هزینه‌هایی است که مستقیماً به فعالیت‌های فرار مالیاتی مربوط می‌شوند (برای مثال هزینه‌های متحمل شده برای برنامه‌ریزی مالیاتی، مجازات مالیاتی ارزیابی شده توسط اداره مالیات و جرایم مالیاتی) و هزینه‌های غیر مالیاتی، به ویژه هزینه‌های نمایندگی، ممکن است به مراتب سنگین‌تر از صرفه جویی‌های بالقوه مالیاتی مربوط به سهامداران باشد. اگر سهامداران بر این باور باشند که معادلات مبهمی که جهت فرار از مالیات انجام می‌شوند با منافع شخصی مدیریتی همراه هستند، باعث به وجود آمدن هزینه‌های نمایندگی می‌شود که ناشی از تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌باشد و می‌تواند به طور قابل ملاحظه ای صرفه جویی‌های مالیاتی ناشی از معاملات مبهمی را که جهت فرار از مالیات می‌باشد خنثی کند.

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند شفافیت شرکت‌ها، که به عنوان در دسترس بودن اطلاعات خاص شرکت برای سهامداران خارجی تعریف شده است، ارزش شرکت را تحت تاثیر قرار می‌دهد، شفافیت در گزارش‌گری مالی ممکن است صحت اطلاعات در دسترس عموم در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری و عملیاتی مدیریت را افزایش دهد. همچنین، شفافیت شرکت‌ها ممکن است صرف ریسک مرتبط با استفاده بالقوه از ثروت سهامداران توسط مدیران فرصت طلب را کاهش دهد. فرار از مالیات ممکن است هم به رفتارهای مدیریتی برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت و هم یک عامل بالقوه برای تاکید بیشتر بر تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران اشاره داشته باشد. از آنجا که غیرشفاف بودن شرکت می‌تواند منجر به برداشت شخصی مدیران در جهت منافع خودشان به هزینه سهامداران شود، پس سهامداران باید درجه

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

ارتباط بین فرار مالیاتی و نفع شخصی مدیران را برآورد کنند (رسائیان و اکبری، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۳).

۳- پیشینه پژوهش

خورانا و موسر (۲۰۰۹) نشان دادند که مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر معناداری دارد. یافته‌های بوهل و همکاران، (۲۰۰۹) حاکی از آن است که افزایش مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی اثر ثابت کنندگی بر نوسان پذیری بازده سهام دارد، چرا که آنان قیمت سهام را به سرعت با اطلاعات جدید تنظیم کرده، باعث کاراتر شدن بازار سهام می‌گردند.

یافته‌های پژوهش کمپل و همکاران، (۲۰۰۹) حاکی از آن است که تغییرات در دارایی های سهام نهادی به صورت متوالی و مثبتی با بازده سهام آینده همبسته است. دسائی و دهارماپالا (۲۰۰۹) نشان دادند که میانگین تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت معنادار نیست. اما در شرکت‌هایی که دارای مکانیزم حاکمیت شرکتی قوی هستند، تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت معنادار و مثبت می‌باشد. دیرنگ و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند که اختلاف مقطعی قابل ملاحظه ای در اجتناب از پرداخت مالیات توسط شرکت‌ها وجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد شرکت‌ها توانایی این را دارند که نرخ موثر مالیاتی نقدی را زیر ۲۰ درصد نگه دارند.

کیم و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند، در شرکت‌هایی که اقدام به فرار از پرداخت مالیات کرده‌اند، ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیشتر است. وانگ (۲۰۱۰) نشان داد، شرکت‌های شفاف که به طور بالقوه از مشکلات نمایندگی کمتری برخوردارند. فرار مالیاتی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرشفاف دارند. این نتیجه نشان می‌دهد مدیران دست به معاملاتی با هدف فرار مالیاتی می‌زنند که در واقع ثروت سهامداران را افزایش دهند. آنها دریافتند که سرمایه‌گذاران یک صرف ارزشی را برای فرار مالیاتی در نظر می‌گیرند، اما این صرف برای شرکت‌های غیر شفاف کمتر می‌باشد. یافته‌های دالیوال و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از ارتباط منفی بین فرار مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد است. این ارتباط در شرکت‌هایی که ساختار حاکمیتی بهتری دارند، ضعیف‌تر می‌باشد. علاوه بر آن این یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار حاکمیت شرکتی، عوارض جانبی استراتژی‌های فرار مالیاتی را محدود می‌کند و در نهایت آنها دریافتند که ارزیابی سرمایه‌گذاران از میزان وجه نقد نگه‌داری شده، برای شرکت‌هایی با سطح بالاتری از فرار مالیاتی کمتر است.

لیم (۲۰۱۱) نشان داد که ارتباطی منفی بین فرار مالیاتی و هزینه بدهی وجود دارد که دیدگاه تئوری مبادله‌ای را تایید می‌کند. همچنین آنها دریافتند که این ارتباط منفی، وقتی که سطح مالکیت نهادی

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

بیشتر می‌باشد قوی‌تر می‌شود. یافته‌های آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۲)، بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ موثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده شده ارتباطی ضعیف وجود دارد. وو توکر (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که رابطه جالبی بین کیفیت افشا و کیفیت گزارش‌گری مالی وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹)، به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که فاقد معیارهای مزبور هستند، وجود ندارد. این در حالی بود که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنی‌دار بوده است. فروغی و محمدی (۱۳۹۲) نشان می‌دهند اجتناب مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده توسط شرکت تاثیر منفی دارد.

نتایج تحقیق رضایی و مشیری (۱۳۹۳) نشان داد که بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و با نرخ موثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. ضمناً بین مالکیت نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و در روش نرخ موثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. حقیقت و محمدی (۱۳۹۲)، نشـان دادند شرکت‌های با شفافیت زیاد، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشـتری نسـبت بـه شرکت‌های با شفافیت کم دارند. نتایج این بررسی نشان می‌دهـد، افـراد بـرون سـازمانی اهمیـت خاصی برای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت‌هایی کـه اجتنـاب مالیـاتی اجرا می‌شود، شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

٤- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی اول: کیفیت افشا در شرکتهایی که با اجتناب مالیاتی مواجه هستند، از سایر شرکت‌هایی که فاقد این ویژگی هستند، متفاوت است.

فرضیه اصلی دوم: سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

فرضیه اصلی سوم: در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی بالا بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی پایین بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از رابطه خاصی جهت برآورد حجم نمونه و نمونه‌گیری استفاده نشده است بلکه از روش حذفی استفاده گردیده است. به طوری که با اعمال محدودیت‌هایی تعداد ۱۰۰ سال – شرکت در نمونه آماری این پژوهش قرار گرفته است.

٦- تعریف عملیاتی متغیرها

اجتناب مالیاتی (متغیر وابسته): در این تحقیق به پیروی از کار پلسکو (۲۰۰۴) و دسای و دارماپالا (۲۰۰۶، ۲۰۰۹) از تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات به عنوان معیار اجتناب از پرداخت مالیات و از اطلاعات صورت سود و زیان برای تخمین سود مشمول مالیات استفاده شده است. سود مشمول مالیات از طریق تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه شده است. هانلون و همکاران (۲۰۰۵) و دسای و همکاران (۲۰۰۶) اظهار کردند که استفاده از سود مشمول مالیات برآوردی، معیاری مناسب‌تر از سود مشمول مالیات واقعی است، به این دلیل که بازار فقط از اطلاعات عمومی موجود برای ارزیابی قیمت سهام استفاده می‌کند. قوانین و مقررات مالیاتی، انواع درآمدهای مشمول مالیات یا معاف از مالیات را تعریف می‌کند. یک واحد تجاری ممکن است درآمدهایی ارائه کند که متفاوت از درآمدهای گزارش شده برای مقاصد مالیاتی باشد. در ایران معافیت‌های موضوع مواد ۱۳۲ تا ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم از جمله معافیت‌هایی است، ۱۰۰٪، موجب تفاوت دائمی بین سود حسابداری و مشمول مالیات می‌شود. برای نمونه، طبق ماده ۱۴۱ درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی و یا طبق مادهٔ ۱۴۵، سود حاصل از سپرده‌های بانکی از مالیات معاف است. این مواد مربوط به درآمدهاست. در مورد هزینه‌های قابل پذیرش در مادهٔ ۱۴۸هزینه های مازاد بر معافیت‌های تعیین شده از این دست است (خدامی پور و امینی نیا، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

کیفیت افشا (متغیر مستقل): متغیر مستقل در این مطالعه عبارت است از کیفیت افشای شرکت‌ها، که برای عملیاتی کردن این متغیر از رتبه بندی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردیده است. بورس اوراق بهادار تهران از سال ۸۲ تاکنون امتیازات مربوط به افشای شرکت‌ها را رتبه‌بندی می‌کند، دامنه آن معمولاً از صفر تا ۱۰۰ می‌باشد. رتبه‌بندی صورت گرفته براساس معیارهای مربوط بودن و قابلیت اتکای گزارش‌های افشا شده توسط شرکت‌ها صورت می‌گیرد (مشایخی و فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). و گاهی هم به دلیل عدم ارائه به موقع گزارشات مالی و

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

تصویب زمان تقسیم سود امتیاز منفی به شرکت‌ها تعلق می‌گیرد. از جمله دلایل استفاده از آن شاخص به این شرح است: ۱) امتیاز کیفیت افشاء که توسط سازمان بورس اوراق بهادار محاسبه شده است براساس شاخص‌های دقیق و عینی از قبیل زمان ارائه اطلاعات مربوطه و تفاوت پیش‌بینی‌ها با نتایج واقعی، محاسبه شده است. بنابراین معیار مورد استفاده، از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است. ۲) در معیار کیفیت افشاء محاسبه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار نه تنها به کمیت افشاء توجه شده است، بلکه به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده نیز مد نظر قرار گرفته است (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۳-۲۲۴).

متغیرهای کنترلی

ROE: سود عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان ابتدای دوره (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

LEV: مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارائی‌ها (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

MB: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

ASSET: لگاریتم مجموع دارائی‌های ابتدای دوره (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

سهامداران نهادی (متغیر تعدیل کننده): مطابق با تعریف بوش، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند که حجم بزرگی از عملیات آنها به معامله سهام‌شان بر می‌گردد. علاوه بر این، مطابق با تعریف بند ۲۷ ماده ۱ قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، از سرمایه گذاران نهادی، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد و یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند، نیز جزو این گروه از سرمایه‌گذاران محسوب می‌شوند (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹: ۱۶۵). در تحقیق حاضر برای سهامداران نهادی دو سطح در نظر گرفته می شود. سطح بالا و سطح پایین. سهامدارانی که بیش از ۵۰ درصد سهام را دارند، سطح بالا و برای کمتر از ۵۰ درصد سطح پایین در نظر گرفته می‌شود.

جدول (۱)- طبقه‌بندی میزان مالکیت سهامداران نهادی

میزان مالکیت سهامداران نهادی	بازه میزان مالکیت
سطح بالا	از ۰ تا ۵۰ درصد
سطح پایین	از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

منبع: یافته‌های محقق

۷- یافته‌های پژوهش

تحلیل توصیفی:

جدول (۲)- تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اجتناب مالیاتی	TAX-AVO	۸۰۰	۰/۰۶۹	۰/۱۳۵	-۰/۳۷۵	۱/۳۷۶
کیفیت افشا	Trance	۸۰۰	۶۰/۷۷۹	۲۳/۱۰۶	-۱۳	۹۹/۹۰۶
درصد مالکیت نهادی	INSOWN	۸۰۰	۰/۷۲۸	۰/۲۰۹	۰/۰۵۱	۰/۹۷۱
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۸۰۰	۰/۴۰۱	۰/۶۳۷	-۲/۶۷۵	۴/۸۷۰
اهرم مالی	LEV	۸۰۰	۰/۶۳۰	۰/۲۱۲	۰/۰۱۷	۱/۴۴۲
نسبت ارزش بازار به دفتری	MB	۸۰۰	۲/۵۳۸	۲/۲۱۶	-۳/۷۶۷	۱۳/۴۶۰
لگاریتم دارایی ها	Asset	۸۰۰	۱۳/۵۱۶	۱/۳۵۷	۱۰/۳۰۸	۱۸/۴۵۴

منبع: یافته‌های محقق

مجموع مشاهدات در این تحقیق برابر با ۸۰۰ سال- شرکت (۱۰۰ شرکت در طی ۸ دوره مالی شامل سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) می‌باشد. نتایج تحلیل توصیفی نشان می‌دهد میانگین اجتناب مالیاتی برای شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۰۶۹ می باشد. میانگین متغیر کیفیت افشاء نیز برابر با ۶۰/۷۷۹ امتیاز می‌باشد. کمترین و بیشترین مقدار برای کیفیت افشاء نیز برابر با ۱۳- و ۹۹/۹۰۶ می‌باشد. متوسط درصد مالیکت نهادی نیز برای شرکت‌های مشاهده شده برابر با ۰/۷۲۸معادل ۷۲/۸ درصد است که نشان می‌دهد شرکت‌های قرار گرفته در نمونه غالباً از ساختار مالکیت نهادی برخوردارند. همچنین شرکت‌های قرار گرفته در نمونه به شکل میانگین از ۶۳ درصد اهرم مالی بهره‌گیری نموده‌اند. نرخ بازده حقوق صاحبان سهام نیز به‌طور متوسط در طول دوره تحقیق برابر با ۰/۴۰۱ می‌باشد. میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز برابر با ۲/۵۳۸ بوده و نشان می‌دهد ارزش بازار شرکت‌های قرار گرفته در نمونه حدوداً ۲/۵ برابر ارزش دفتری آنها می‌باشد. کمترین مقدار این متغیر نیز برابر با ۳/۷۶۷- می‌باشد که خود نشان دهنده حضور شرکت‌هایی با ارزش دفتری منفی در بین مشاهدات است. انحراف معیار پایین در سطح اغلب متغیرهای کمی تحقیق نیز نشان می‌دهد توزیع متغیرهای کمی تحقیق پراکندگی زیادی نداشته و حول میانگین

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

متمرکز می‌باشند.

بررسی نحوه توزیع داده‌ها

جدول (۳)- نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف

شرح	علامت	مقدار آماره Z	Sig.
اجتناب مالیاتی	TAX-AVO	۱/۱۵۵	۰/۱۰۳
کیفیت افشا	Trance	۱/۳۱۸	۰/۰۶۱
درصد مالکیت نهادی	INSOWN	۴/۲۱۴	۰/۰۰۰
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۵/۷۴۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۱/۱۲۴	۰/۰۷۸
نسبت ارزش بازار به دفتری	MB	۳/۷۲۰	۰/۰۰۰
لگاریتم دارایی ها	Asset	۱/۰۵۶	۰/۱۵۹

منبع: یافته‌های محقق

با توجه به اینکه سطح معنی داری آماره Z، برای متغیر وابسته تحقیق (اجتناب مالیاتی) بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش می باشد، نتایج نشان می‌دهد توزیع متغیر وابسته تحقیق از توزیع نرمال پیروی می‌کند. همچنین، نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان می‌دهد، با توجه به بالا بودن سطح معنی داری آماره Z از سطح خطای مورد پذیرش برای متغیرهای کیفیت افشاء، اندازه شرکت و اهرم مالی، توزیع متغیرهای ذکر شده نیز از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش

جدول (٤)- ماتریس همبستگی اسپیرمن

متغیر	علامت	TAX-AVO	Trance	IN-SOWN	ROE	LEV	MB	Asset
اجتناب مالیاتی	TAX-AVO	۱						
کیفیت افشا	Trance	-۰/۰۸۳ (۰/۰۱۸)**	۱					
درصد مالکیت نهادی	IN-SOWN	-۰/۰۵۸ (۰/۱۰۰)	-۰/۰۵۳ (۰/۱۳۰)	۱				
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰/۰۹۴ (۰/۰۰۷)***	۰/۰۹۲ (۰/۰۰۹)***	۰/۰۷۷ (۰/۰۲۸)**	۱			
اهرم مالی	LEV	-۰/۵۷۱ (۰/۰۰۰)***	-۰/۲۸۷ (۰/۰۰۰)***	۰/۱۹۷ (۰/۰۰۰)***	-۰/۰۴۶ (۰/۱۸۷)	۱		
نسبت ارزش بازار به دفتری	MB	۰/۰۹۷ (۰/۰۰۶)***	۰/۱۸۱ (۰/۰۰۰)***	۰/۰۲۱ (۰/۵۴۷)	۰/۲۶۵ (۰/۰۰۰)***	-۰/۰۴۶ (۰/۱۸۹)	۱	
لگاریتم داراییها	Asset	۰/۱۲۵ (۰/۰۰۰)***	-۰/۱۴۷ (۰/۰۰۰)***	۰/۰۵۰ (۰/۱۵۱)	۰/۱۱۵ (۰/۰۰۰)***	۰/۱۲۸ (۰/۰۰۰)***	۰/۰۳۲ (۰/۳۶۶)	۱

** معنی دار ی در سطح ۹۵٪ اطمینان *** معنی داری در سطح ۹۹٪ اطمینان

منبع: یافته‌های محقق

نتایج ماتریس همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین متغیر اجتناب مالیاتی و متغیرهای کیفیت افشاء و اهرم

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

مالی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد.

همچنین اجتناب مالیاتی با متغیرهای نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت ارزش بازار به دفتری و لگاریتم دارایی‌ها همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. کیفیت افشاء نیز با متغیرهای بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری همبستگی مثبت و با متغیرهای اهرم مالی و لگاریتم دارایی‌ها همبستگی منفی و معناداری دارد. بین درصد مالکیت نهادی و متغیرهای نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و اهرم مالی همبستگی مثبت و معناداری مشاهده می شود. همچنین نتایج نشان می دهد نرخ بازده حقوق صاحبان سهام با متغیرهای نسبت ارزش بازار به دفتری و لگاریتم دارایی ها همبستگی مثبت و معناداری دارد. بین اهرم مالی و لگاریتم داراییها نیز همبستگی مثبت و معناداری مشاهده می شود. همچنین نتایج ماتریس همبستگی نشان می دهد بین متغیرهای مستقل و کنترلی همخطی وجود ندارد.

۸- نتایج آزمون فرضیه ها

در این قسمت نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود:

فرضیه اول بیان می‌دارد: کیفیت افشا در شرکت‌هایی که با اجتناب مالیاتی مواجه هستند، از سایر شرکت‌هایی که فاقد این ویژگی هستند، متفاوت است.

ملاک طبقه‌بندی شرکت‌ها به دو گروه مستقل (شرکت‌های با اجتناب مالیاتی و فاقد اجتناب مالیاتی)، میانه متغیر اجتناب مالیاتی می‌باشد.

جدول (۵)- نتایج آزمون فرضیه اول

میانگین دو گروه (کیفیت افشاء)		آزمون تساوی واریانس دو گروه (آزمون لوین)		آزمون تساوی میانگین دو گروه (آزمون t مستقل)	
فاقد اجتناب مالیاتی	با اجتناب مالیاتی	آماره (F)	سطح معنی داری (P-Value)	آماره (t)	سطح معنی داری (P-Value)
۶۲/۵۵۹	۵۹/۰۰۱	۹/۷۹۹	۰/۰۰۲	۲/۱۸۴	۰/۰۲۹

منبع: یافته‌های محقق

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین های دو جامعه که در جدول بالا ارائه شده است، مقدار آمارهٔ F برابر با ۹/۷۹۹ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۲، کمتر از سطح خطای مورد پذیرش می‌باشد. بنابراین فرض برابری واریانس های دو گروه رد شده، در نتیجه از آزمون t با درجات آزادی تعدیل شده استفاده می شود. سطح معنی داری آماره t با فرض عدم تساوی واریانس های دو گروه برابر با ۰/۰۲۹ بوده و کمتر از سطح خطای مورد پذیرش است و نشان می دهد فرض H0 رد شده و بین میانگین دو گروه تفاوت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول تحقیق را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نمی‌توان رد نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد در شرکت‌های با اجتناب مالیاتی، کیفیت افشاء کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌دوم

فرضیه دوم بیان می‌دارد: سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تاثیر دارند.

$$TAX-AVO_{i,t}=C+\beta_1\left(Trance_{i,t}\right)+\beta_2\left(Trance\times InsownDumm\ y_{i,t}\right)+\beta_3\left(ROE_{i,t}\right)$$
$$+\beta_4\left(LEV_{i,t}\right)+\beta_5\left(MB_{i,t}\right)\beta_6\left(LNASSET_{i,t}\right)+\varepsilon_{i,t}$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

جدول (٦)- نتایج آزمون فرضیه‌دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره t	Prob.	آزمون همخطی (VIF)
مقدار ثابت	C	-۰/۰۰۱	-۰/۰۲۷	۰/۹۷۸	-
کیفیت افشاء	β_1(Trance)	-۰/۰۰۱	-۰/۸۶۰	۰/۳۸۹	۲/۱۰۱
تعاملی کیفیت افشاء سهامدار نهادی	β_2(Trance×Insown Dummy)	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۲	۰/۹۹۰	۱/۹۲۷
بازده حقوق صاحبان	β_3(ROE)	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۹۰۸	۱/۰۹۹
اهرم مالی	β_4(LEV)	-۰/۳۴۷	-۲۱/۲۶۵	۰/۰۰۰	۱/۱۱۷
ارزش بازار به دفتری	β_5(MB)	۰/۰۰۴	۳/۱۰۱	۰/۰۰۲	۱/۱۰۸
لگاریتم دارایی‌ها	β_6(Ln Asset)	۰/۰۲۱	۸/۴۹۸	۰/۰۰۰	۱/۰۵۳
تحلیل انتخاب مدل (پانل-پولد)	آزمون F لیمر (چاو)			سطح معنی داری (Prob.)	۴/۳۵۱ (۰/۰۰۰)
تحلیل نوع برازش (اثرات ثابت یا تصادفی)	آزمون H هاسمن			سطح معنی داری (Prob.)	۲۴/۱۶۷ (۰/۰۰۰)
کل مدل رگرسیون	آماره F			سطح معنی داری (Prob.)	۹۰/۵۱۳ (۰/۰۰۰)
	آماره دوربین واتسون				۱/۸۲۴
	آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey)			سطح معنی داری (Prob.)	۳/۰۲۷ (۰/۰۶۸)
	آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون Arch)			سطح معنی داری (Prob.)	۰/۱۲۹ (۰/۷۱۸)
	ضریب تعیین (R^2)				۰/۴۰۶
	ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)				۰/۴۰۲

منبع: یافته‌های محقق

با توجه به نتایج آزمون فرضیهٔ دوم تحقیق که در جدول بالا ارائه شده است، سطح معنی داری آماره

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

F لیمر (چاو) برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای مورد پذیرش می باشد. بنابراین برای برازش مدل رگرسیون از داده های تابلویی استفاده می‌شود. همچنین به جهت انتخاب نوع برازش با اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود. نتایج آزمون هاسمن با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره آزمون از سطح خطای مورد پذیرش نشان می دهد مدل اثرات ثابت نسبت به اثرات تصادفی ارجحیت دارد. با توجه به بالا بودن سطح معناداری آماره آزمون آرچ (۰/۷۱۸) از سطح خطای مورد پذیرش، نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون آرچ) نشان می دهد ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد.

همچنین با توجه به بالا بودن سطح معنی داری آماره آزمون براش گادفری از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد)، نتایج آزمون ضرایب لاگرانژ (آزمون براش گادفری) نیز نشان می‌دهد خود همبستگی سریالی در مدل رگرسیونی نیز وجود ندارد. آماره دوربین واتسون در دامنه قابل قبول (۱/۵ و ۲/۵) قرار داشته، و نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به اینکه در بررسی همخطی بین متغیرهای وارد شده در مدل، مقادیر همگی زیر ۱۰ می‌باشند در نتیجه همخطی در مدل مشاهده نمی‌گردد. سطح معنی داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. با توجه به بالا بودن سطح احتمال آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۲ نتایج آزمون نشان می‌دهد، سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تاثیر آماری معناداری ندارد. بنابراین، نمی‌توان فرضیه دوم تحقیق را در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرش نمود. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد از بین متغیر کنترلی وارد شده در مدل، نسبت ارزش بازار به دفتری و لگاریتم دارایی‌ها بر اجتناب مالیاتی تاثیر مثبت و معناداری داشته و در نقطه مقابل اهرم مالی تاثیر منفی و معنی داری بر اجتناب مالیاتی دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در مدل ۴۰/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم نیز در جداول ۷ و ۸ ارائه شده است.

فرضیه سوم تحقیق بیان می دارد: در شرکت های دارای سطح سهامداری نهادی بالا بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

در این تحقیق برای سهامداران نهادی دو سطح (سطح بالا و سطح پایین) در نظرگرفته می شود. شرکتهای با سهامداران نهادی بیش از ۵۰ درصد، سطح بالا و برای کمتر از ۵۰ درصد سطح پایین در نظر گرفته می‌شود. تعداد سال شرکت های قرار گرفته در سطح سهامداران نهادی بالا ۷۰۱ مشاهده از ۸۰۰ مشاهده کل می باشد. مدل رگرسیونی چند متغیره خطی زیر برای آزمون فرضیه فوق در سطح شرکتهای

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

با درصد سهامداران نهادی بالا استفاده شده است.

$$TAX-AVO_{it}=C+\beta_1(Trance_{it})+\beta_2(ROE_{it})$$
$$+\beta_3(LEV_{it})+\beta_4(MB_{it})+\beta_5(LnAsset_{it})+\varepsilon_{it}$$

جدول (۷)- نتایج آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب Coefficient	آماره t	Prob.	آزمون همخطی (VIF)
مقدار ثابت	C	۰/۰۹۹	۱/۷۴۴	۰/۰۸۱	–
کیفیت افشاء	β۱(Trance)	-۰/۰۰۱	-۲/۶۱۱	۰/۰۰۹	۱/۱۵۷
بازده حقوق صاحبان	β۲(ROE)	۰/۰۰۵	۰/۴۸۶	۰/۶۲۶	۱/۱۱۴
اهرم مالی	β۳(LEV)	-۰/۳۹۷	-۱۱/۴۹۸	۰/۰۰۰	۱/۰۹۴
ارزش بازار به دفتری	β۴(MB)	۰/۰۰۵	۳/۰۵۰	۰/۰۰۲	۱/۱۴۱
لگاریتم دارایی‌ها	β۵(Ln Asset)	۰/۰۱۸	۴/۹۸۴	۰/۰۰۰	۱/۰۴۹

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

کل مدل رگرسیون	آماره F سطح معنی داری (Prob.)	۹۰/۳۹۰ (۰/۰۰۰)
	آماره دوربین واتسون	۲/۱۱۹
	آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey) سطح معنی داری (Prob.)	۱/۶۴۵ (۰/۱۹۴)
	آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون Arch) سطح معنی داری (Prob.)	۰/۰۶۰ (۰/۸۰۷)
	ضریب تعیین (R^2) ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)	۰/۳۹۴ ۰/۳۸۹

منبع: یافته‌های محقق

نتایج آزمون فرضیه چهارم: در شرکت های دارای سطح سهامداری نهادی پایین بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

در این تحقیق برای سهامداران نهادی دو سطح (سطح بالا و سطح پایین) در نظرگرفته می شود. شرکتهای با سهامداران نهادی بیش از ۵۰ درصد، سطح بالا و برای کمتر از ۵۰ درصد سطح پایین در نظر گرفته می‌شود. تعداد سال شرکت‌های قرار گرفته در سطح سهامداران نهادی پایین ۹۹ مشاهده از۸۰۰ مشاهده کل می باشد. مدل رگرسیونی چند متغیره خطی زیر برای آزمون فرضیه فوق در سطح شرکت‌های با درصد سهامداران نهادی پایین استفاده شده است.

$$TAX-AVO_{it}=C+\beta_1(Trance_{it})+\beta_2(ROE_{it})$$
$$+\beta_3(LEV_{it})+\beta_4(MB_{it})+\beta_5(LnAsset_{it})+\varepsilon_{it}$$

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

جدول (۸)- نتایج آزمون فرضیه چهارم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب (Coefficient)	آماره t	.Prob	آزمون همخطی (VIF)
مقدار ثابت	C	۰/۱۵۱	۱/۱۲۲	۰/۲۶۴	–
کیفیت افشاء	β_1(Trance)	۰/۰۰۱	۰/۸۱۳	۰/۴۱۸	۱/۴۲۸
بازده حقوق صاحبان	β_2(ROE)	۰/۰۰۸	۱/۰۱۵	۰/۳۱۲	۱/۱۹۴
اهرم مالی	β_3(LEV)	-۰/۳۰۳	-۴/۳۴۳	۰/۰۰۰	۱/۲۹۴
ارزش بازار به دفتری	β_4(MB)	-۰/۰۱۱	-۲/۰۱۲	۰/۰۴۷	۱/۴۹۱
لگاریتم دارایی‌ها	β_5 (Ln Asset)	۰/۰۰۶	۰/۷۲۴	۰/۴۷۰	۱/۱۸۹
کل مدل رگرسیون	آماره F سطح معنی داری (.Prob)				۸/۳۲۵ (۰/۰۰۰)
	آماره دوربین واتسون				۱/۹۹۶
	آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breus-ch–Godfrey) سطح معنی داری (.Prob)				۰/۳۰۵ (۰/۷۳۷)
	آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون Arch) سطح معنی داری (.Prob)				۰/۴۹۰ (۰/۴۸۵)
	ضریب تعیین (R^2) ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)				۰/۳۰۹ ۰/۲۷۲

منبع: یافته‌های محقق

۹- بحث و نتیجه‌گیری

۱. فرضیه اصلی اول بیان می دارد: کیفیت افشا در شرکت هایی که با اجتناب مالیاتی مواجه هستند، از سایر شرکت‌هایی که فاقد این ویژگی هستند، متفاوت است.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

جهت جلوگیری از روشن و آشکار شدن میزان اجتناب مالیاتی، مدیران انگیزه دارند اهداف اصلی فعالیتهای اجتناب مالیاتی را غیر شفاف نمایند و از شفافیت مالیاتی بکاهند. گزارش حسابرسی مالیاتی باید بخشی از اختلاف سود حسابداری و درآمد مشمول مالیات را به عنوان شاخصی از فرار و پنهان کاری مالیاتی افشاء کند. اما اگر شرکت‌ها اطلاعات مهم و حساس مرتبط به مالیات را که توسط استانداردهای حسابداری که در طی فرمK۱۰ الزامی می‌باشد افشاء نکنند، قضاوت برای سرمایه‌گذاران برون سازمانی در خصوص هدف اصلی اجتناب مالیاتی و میزان ارتباط اجتناب مالیاتی با سوء استفاده مدیریت، سخت و مشکل شود. از طرف دیگر مالیات بر درآمد، هزینه با اهمیتی را بر واحدهای تجاری تحمیل می‌کند و نقدینگی شرکت را کاهش می‌دهد و مدیران علاقه‌مند هستند که سود بعد از مالیات شرکت را افزایش دهند. پیچیدگی قوانین مالیاتی و غیرعلنی بودن اطلاعات در خصوص وضعیت مالیاتی شرکت‌ها، قضاوت سرمایه‌گذاران برون سازمانی در خصوص استراتژی اصلی اجتناب مالیاتی شرکت را مشکل می سازد. پژوهش های انجام شده نشان می دهد کیفیت افشاء به سرمایه‌گذاران برون سازمانی کمک می‌کند تا رفتار فرصت طلبانه مدیریت را بهتر شناسایی و رصد کنند. از جنبه رفتار مدیریت مالیاتی شرکت، مدیران شرکت‌های با کیفیت افشای بالا علاقه بیشتری به اجتناب مالیاتی جهت افزایش سود پس از مالیات شرکت دارند و علاقه آنها جهت سوء استفاده از پوشش مالیاتی برای دنبال کردن منافع شخصی کمتر می‌باشد. در این پژوهش این فرضیه تایید شده است.

فرضیه دوم بیان می‌دارد: سهامداران نهادی بر رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی تاثیر دارند.

مالیات به عنوان یکی از مهمترین منابع مالی دولت، نقش به سزایی در رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایفا می کند. سازمان امور مالیاتی به عنوان متولی وصول قانونی درآمدهای مالیاتی کشور، با موضوع گریز مالیاتی مودیان مواجه می‌باشد. انحراف مالیات ابرازی مودیان از مالیات قطعی شده آنان، می تواند مصداقی از گریز مالیاتی باشد که به نوبه خود تاثیرات مخربی بر اقتصاد کشور وارد می‌کند. رویکرد سازمان امور مالیاتی جهت رویارویی با این چالش، استفاده از روش‌های سنتی ممیزی و زمان بر می باشد. استفاده از این رویکرد در بلندمدت موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و افزایش هزینه های آن می‌شود (باقرپور ولاشانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). سهامدار نهادی سبب ایجاد نتیجهٔ مناسب از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌شود، از طرفی اجتناب از پرداخت مالیات با هزینهٔ بدهی شرکت رابطهٔ منفی دارد، بنابراین سطح مالکیت نهادی می‌تواند از طریق کمتر کردن مسئلهٔ نمایندگی، اثر منفی بر هزینهٔ بدهی داشته باشد، همچنان که سبب کاهش فرصت‌های انحراف منافع مدیران می‌شود که به فعالیت‌های اجتناب از پرداخت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

مالیات مربوط است. بنابراین انتظار می‌رود رابطهٔ منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینهٔ بدهی با وارد شدن مالکیت نهادی منفی‌تر شود (خدامی پور و امینی، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

با آشکار شدن رسوایی‌های مالی مدیران در شرکت‌هایی مانند انرون و ورلدکام، مشخص گردید که پتانسیل سوء استفاده و اتلاف منابع مالکان در شرکت‌هایی که از فعالیت‌های مبهم و غیر شفاف اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند، بالا است. به خاطر اینکه مدیریت به بهانه آشکار نشدن سود واقعی شرکت، رفتارهای منفعت طلبانه خود را پنهان می کند. مطالعات و تحقیقات انجام شده نیز نشان می دهد تعداد بسیار اندکی از مالکان به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با ابهام زیاد واکنش مثبت نشان می‌دهند. با این وجود، مدارک و مستنداتی هم وجود دارد که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران برای برنامه‌های اجتناب مالیاتی که منجر به افزایش ارزش واحد تجاری می‌شود، اهمیت زیادی قائل هستند. با رشد اقتصادی و بزرگ شدن واحدهای تجاری، از قدرت کنترل سهامداران در عمل کاسته شده است، چرا که پراکندگی ساختار مالکیت بیشتر شده و اکثر مالکان را سهامداران جزء تشکیل می‌دهند. در چنین حالتی تنها تعداد اندکی از سهامداران این امکان را می یابند تا در انتخاب اعضای هیأت مدیره و همچنین مدیر عامل نقشی را ایفا نمایند. این مشکل زمانی حادتر خواهد شد که انگیزهٔ بیشتر سهامداران، سرمایه‌گذاری در شرکت برای کسب سود (دیدگاه کوتاه مدت) باشد تا اینکه کنترل شرکت (دیدگاه بلندمدت) را بدست گیرند. آنگاه تنها سد دفاعی سهامداران در مقابل مشکلات نمایندگی، ایجاد تنوع در پرتفویهای سرمایه‌گذاری خواهد بود و یا اینکه در نهایت پس از زیان‌های غیرقابل جبران، سرمایه گذاری در آن شرکت را به فروش رسانند.

در چنین نظامی بدون حضور سهامداران نهادی حاکمیت شرکت‌ها به صورت کنترل نشده در اختیار مدیریت است. در واقع همه مسئولیت‌ها بر دوش مدیران شرکت نهاده می‌شود که در این میان، نقش بالاترین مقام اجرایی (مدیر عامل) برجسته تر است. در حالت کلی سهامداران نهادی رابطه مثبتی با کیفیت افشا دارند؛ یعنی هر چه درصد مالکیت آنها در یک شرکت بیشتر باشد، احتمال انتشار یک پیش بینی، اعداد دفعات آن، صراحت و دقت پیش بینی و محافظه کارانه بودن آن افزایش می یابد. اگرچه سهامداران نهادی ممکن است مستقیماً قادر به نظارت بر فعالیت‌های مدیران نباشند (با فرض این که خارج از شرکت هستند)، اما با تقاضا کردن اطلاعات بیشتر از شرکت می‌توانند موجب شفافیت بیشتری شوند. با توجه به تاکید ویژه نهادها به افشا و درخواست مستمر آنها از شرکت برای پیش‌بینی سودهای آتی، انتظار می‌رود که رابطه‌ای مستقیم بین آنان و تمایل شرکت به ارائه اطلاعات شفاف و دقت و صراحت پیش‌بینی وجود داشته باشد و حضور آنها از خوش بینی مدیریت در پیش‌بینی‌های ارائه شده بکاهد. سهامداران نهادی متقاضی افشای

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

بیشتر هستند. اطلاعات افشا شده و به ویژه پیش‌بینی سود توسط حاضران در بازار به طور دقیق بررسی می شود. نهادها به طور مستمر، شرکت را برای ارائه اطلاعات دقیق، غیرجانبدارانه و صریح در مورد سود آتی مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهند. در این پژوهش این فرضیه تایید نشده است.

فرضیه سوم بیان می‌دارد: در شرکت‌های دارای سطح سهامداری نهادی بالا بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

سهامداران عمده در انتقال اطلاعات به سایر سهامداران نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. آنها می‌توانند اطلاعات خصوصی از مدیریت کسب کنند و اطلاعات را به دیگران انتقال دهند. عموماً اینگونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی، ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر از فعالیت‌های نظارتی نشأت می‌گیرد که، این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند سهامداران عمده از اثرگذاری‌شان روی رفتار شرکت به چند طریق استفاده می‌نمایند. آنها ممکن است روی تصمیمات عملیاتی شرکت با استفاده از نظارت بر مدیریت اثر بگذارند و سبب بهبود انتخاب پروژه‌ها و سطح سرمایه‌گذاری و کاهش احتمال تلف شدن منابع شوند. به‌طوری که هرچه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، نظارت بر مدیریت بهتر انجام می‌شود و این ارتباط یک ارتباط مثبت است. سهامداران نهادی از طریق جمع آوری اطلاعات و قیمت‌گذاری تصمیمات مدیریت به طور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به طور صریح بر شرکت نظارت می‌کنند. افشاء کامل ایجاب می‌کند که صورت‌های مالی به گونه‌ای طرح‌ریزی و تهیه شوند که تصویری دقیق‌تر از رویدادهای اقتصادی که برای یک دوره بر واحد اقتصادی اثر گذاشته‌اند، ارائه شود و نیز در برگیرنده اطلاعاتی باشند که برای یک سرمایه‌گذاری معمولی مفید واقع شوند و موجب گمراهی خواننده نگردند. به‌طور آشکارتر اصل افشای کامل بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهمی که مورد علاقه و توجه یک سرمایه‌گذار عادی باشد، نباید حذف یا پنهان گردد.

مالیات بر درآمد، هزینه با اهمیتی به واحدهای تجاری و مالکان تحمیل می‌کند. اخذ مالیات بخشی از منابع واحد تجاری را به دولت انتقال می‌دهد. مدیریت شرکت جهت جلوگیری از انتقال منابع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به اجرا در می آورد. اما اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی ابهام و عدم شفافیت را به همراه دارد که امکان سوء استفاده از منابع و حیف و میل آن در شرایط غیر شفاف برای مدیران فرصت طلب به وجود می‌آید که منجر به افزایش هزینه نمایندگی می‌شود و گاهی هزینه‌های ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی بیشتر از منافع آن می‌شود. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. آنچه که همه این امور را تحت

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

کنترل داشته و در جهت منافع شرکت پیش می‌برد، نفوذ و قدرت سهامداران نهادی در آن شرکت است. در سطوح بالای مالکیت، سرمایه‌گذاران نهادی حتی ممکن است هیات مدیره را به اخذ تصمیمات غیربهینه ترغیب کنند. در این پژوهش این فرضیه تایید شده است.

فرضیه چهارم بیان می دارد: در شرکت های دارای سطح سهامداری نهادی پایین بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد.

مالکان نهادی، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای بوده که دارای تمرکز بلندمدت هستند. باتوجه به حجم سرمایه‌گذاری و کار بلد بودن مالکین نهادی، حضور آنها موجب نظارت بر مدیریت می‌شود. این موضوع می‌تواند به جای تمرکز بر اهداف کوتاه مدت سودآوری، موجب توجه به حداکثرسازی ارزش بلندمدت شرکت شود. سرمایه‌گذاران نهادی منابعی برای نفوذ و نظارت بر مدیران دارند و اینکه آیا سرمایه‌گذاران نهادی از قدرتشان برای نظارت استفاده می‌کنند یا خیر، تابعی از میزان مالکیت آنهاست. هزینه‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای هستند که افراد و بنگاهها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود، متحمل می‌شوند. به دلیل آنکه پرداخت مالیات ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می‌نماید؛ اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌نمایند که تعهدات مالیاتی خود را حداقل نمایند. فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها به وسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند. افشای اطلاعات به تحلیل گران و سهامداران نهادی آگاهی می‌بخشد و دقت پیش‌بینی آنها را افزایش می‌دهد. بنابراین افشای با کیفیت بالاتر به درک کامل اطلاعات در مورد اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و چگونگی نقش سهامداران نهادی کمک می‌کند. در شرکت‌هایی که سهامداران نهادی آنها در سطح پایین قرار دارد، به علت افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت هزینه‌های کمتری در مقایسه با مزایای افشای با کیفیت متحمل می‌شوند. و در نتیجه افشای بیشتر را ترجیح می‌دهند. در این پژوهش این فرضیه تایید نشده است.

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند.

در ادبیات مالی در کشورهای خارجی، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات خود را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

می‌شناسند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، اطلاق می‌شود. مالیات بر درآمد، هزینه با اهمیتی به واحدهای تجاری و مالکان تحمیل می‌کند. اخذ مالیات بخشی از منابع واحد تجاری را به دولت انتقال می‌دهد. مدیریت شرکت جهت جلوگیری از انتقال منابع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به اجرا در می‌آورد. اما اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی ابهام و عدم شفافیت را به همراه دارد که امکان سوء استفاده از منابع و حیف و میل آن در شرایط غیر شفاف برای مدیران فرصت طلب به وجود می‌آید که منجر به افزایش هزینه نمایندگی می شود و گاهی هزینه‌های ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی بیشتر از منافع آن می‌شود. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام وجود ندارد، که این نتیجه بیانگر این است که سرمایه‌گذاران برای برنامه‌های اجتناب مالیاتی اهمیت قابل توجه‌ای قائل نیستند. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با یافته محققینی همچون جی ننتگ و همکاران (۲۰۰۹) است. او نیز در پژوهش خود بین افشاء شرکتی و اجتناب مالیاتی، به رابطه مثبت معناداری دست یافته است. نتیجه بدست آمده از این پژوهش با نتیجه ایکسیا هانگ (۲۰۱۰) که نشان می‌دهد بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد، متناقض است. نویسی و ناکر (۲۰۰۶) نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی مشابه با یکدیگر نیستند و انگیزه‌ای برای نظارت بر رویه‌های اتخاذ شده از سوی شرکت‌ها ندارند. کاراتانیس و دراکوس (۲۰۰۴) دریافتند بین سرمایه‌گذاری نهادی و ارزش شرکت با استفاده از شاخص تابینزکیو رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و ساختار مالکیت بر ارزش شرکت موثر است.

پیشنهادات کاربردی

۱. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران، سیستم‌های مالیاتی آینده و استانداردهای حسابداری را به گونه‌ای طراحی کنند که شکاف بین سود حسابداری و مشمول مالیات کاهش یابد.

۲. پیشنهاد می‌گردد یک سیستم نرم‌افزاری در سازمان امور مالیاتی جهت استفاده در تحقیقات طراحی شود که امکان دسترسی سریع‌تر و دقیق‌تر به سوابق موجود که جنبه محرمانه بودن اطلاعات مؤدیان مالیاتی نیز در آن رعایت شده باشد را فراهم کند.

۳. توصیه می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور در بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی و درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها، کیفیت افشاء شرکتی آنها که توسط سازمان بورس اوراق بهادار افشاء شده، به عنوان

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

شاخصی از اجتناب مالیاتی مورد توجه قرار گیرد.

۴. هم چنین به صنایع و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد تا سیستم حسابداری خود را به منظور ارسال به موقع اطلاعات حسابداری و شفافیت بیشتر اطلاعات بهبود بخشند.

۵. از آنجایی که هزینهٔ بدهی بر عملکرد و ریسک ورشکستگی شرکت تاثیرگذار می‌باشد، پیشنهاد می‌شود مدیران به نتایج این تحقیق توجه کنند و شرایطی را فراهم کنند که بتوانند از صرفه جویی ناشی از معافیت‌ها و طرح‌های تشویقی مالیاتی استفاده کنند و تامین مالی از طریق بدهی را کاهش دهند.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین، حصارزاده، رضا، محمدآبادی، مهدی، بذرافشان، آمنه (۱۳۹۱)، افشا و ارزش شرکت: شواهدی از بازار سرمایه نوظهور ایران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره سیزدهم، تابستان، صص ۶۷-۷۷.

۲. باباجانی، جعفر و عبدی، مجید (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها، پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.

۳. باقرآبادی، سیدمحمد و دادبه، فاطمه (۱۳۹۳)، نقش سهامداران نهادی در ساختار .www.accpress .com

۴. باقرپور ولاشانی، محمدعلی، باقری، مصطفی، خادم، حمید، حسینی پور، رضا (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مالی و غیرمالی موثر بر گریز مالیاتی با استفاده از تکنیک های داده کاوی: صنعت خودرو و ساخت قطعات، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴، تابستان، صص ۱۰۳-۱۲۸.

۵. پوریان، تقی (۱۳۹۳)، فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، جزوه درسی، درس حسابرسی پیشرفته، صص ۱-۵.

۶. حقیقت، حمید و محمدی، محمدحسن (۱۳۹۲)، بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره اول، بهار، صص ۲۰۹-۲۲۸.

۷. خدامی پور، احمد و بزرایی، یونس، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل حاکمیتی موثر بر کیفیت افشا و تأثیر رقابت بازار بر رابطه بین آنها، فصلنامه حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، صص۲۲-۴۱.

۸. خدامی پور، احمد و امینی نیا، میثم (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم (مسلسل ۶۷)، پاییز، صص ۱۳۵-۱۵۵.

۹. دستگیر، محسن و شهرزادی، مهشید (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین کیفیت افشا و کیفیت اقلام تعهدی در توضیح تغییرات بازده اضافی پورتفوی، مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی (۱۶)، تابستان، صص ۱۷-۳۲.

۱۰. رتبه بندی شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره هفتم، زمستان، صص ۵۱-۶۳.

۱۱. رحیمیان، نظام الدین و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۳۹۲)، رابطه بین کیفیت افشا و محافظه کاری در

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

بورس اوراق بهادار، پژوهش های تجربی حسابداری، سال دوم، شاره ۸، صص ۱-۱۹.
۱۲. رسائیان، امیر و عسکری اکبری، میر (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین فرارمالیاتی، شفافیت و ارزش دفتری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهشهای پولی- بانکی، سال ششم، شماره ۱۶، تابستان، صص ۱۵۹-۱۷۹.
۱۳. رضایی، فرزین و مشیری، حسین (۱۳۹۳)، بررسی رابطه ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی شرکتها، کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، دانشگاه آزاد قزوین.
۱۴. ستایش، محمدحسین، کاظم نژاد، مصطفی، ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۳، پاییز، صص ۵۵-۷۴.
۱۵. ظریف گلزار، علی (۱۳۹۰)، راهکارهای قانونی وصول مالیات، حسابدار رسمی، صص ۶۴-۶۷.
۱۶. عباسی، مجید و احمدی، موسی (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین حاکمیت و حضور سرمایه گذاران نهادی در هیات مدیره با ارزش شرکتها، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۶، شماره ۱، بهار، صص ۱۹۱-۲۱۳.
۱۷. فخاری، حسین و طاهری، عصمت السادات (۱۳۸۹)، بررسی رابطه سرمایه گذاران نهادی و نوسان پذیری بازده سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۶) ، زمستان، صص ۱۵۹-۱۷۲.
۱۸. فروغی، داریوش و محمدی، شکوفه (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیستم، مسلسل(۶۸)، زمستان، صص ۱۰۲-۱۲۲.
۱۹. گل ارضی، غلامحسین و زنگوری، سعید (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام با میانجی گری مالکیت نهادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان، صص ۶۵-۸۶.
۲۰. مشایخی، بیتا و فرهادی، سوران (۱۳۹۲)، تاثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره نوزدهم، زمستان، صص ۱۰۱-۱۱۵.
۲۱. مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندر، هدی (۱۳۸۹)، رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه، پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره اول، بهار، صص۴۷-۶۲.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

22. Armstrong, S,C. Blouin, L., J. Larker, F.D. (2012), The Incentives for Tax Planing. Journal of Accounting and Economics. Vol. 53, pp. 391-411.

23. Armstrong, C, Blouin, J. & Larcker, D. (2010). The Incentives for Tax Planning, Working Paper, SSRN: http://ssrn.com/abstract=1416422.

24. Atwood, T.M & Drake, Myers & Bushman, R.M & A.J, Smith Book (2010), tax conformity, earnings persistence, Journal of Accounting and Economics 32, pp. 237-333.

25. Bohl, M & Brzezcynski, J & Wilfling, B. (2009), Institutional investors and stock returns Volatility: Emperical evidence from a natural experiment, Journal of Banking & Finance, Vol 33, pp.627-639.

26. Campbell, J.Y & Ramadorari, T & Schewortz, A. (2009), Institutional trading, stock returns, and earnings ennouncement, Journal of Finance, Vol 92. pp. 66-91.

27. Chung, R & Firth, M & Kim, J. (2002), "Institutional monitoring and opportunistic earnings management". Journal of Corporate Finance 8: pp.29–48.

28. Desai, M.A, & D. Dharmapala, (2009), corporate tax avoidance and firm value. The Review of Economics and Statistics 91, pp. 537-546.

29. Dhaliwad, D.S, Huang, S.X, Moser, W & Pereira, R. (2011), corporate Tax Avoidance and the level and valuation of firm cash Holdings. Availble at: http: // ssrn. com /abstract=1800140.

30. Dyreng, S.D, Hanlon, M, Maydew, E.L, (2010), The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance, Working Paper.

31. Kim, J.B & Li, Y, & Zhang, L. (2010), corporate Tax Avoidance and stock price crash Risk: Firm –level analysis, journal of financial Economics, vol 55, pp. 206-224.

32. Lim, Y. (2011), Tax Avoidance, cost of Debt and shareholder Activism: Evidence from Korea, journal of Banking and finance, Vol. 35, pp.456-470.

33. Noor, R.M, Fadzillah, N.S, Mastuki, N. A. (2010), Corporate Tax Planning: A

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]

Study on Corporate Effective Tax Rates of Malaysian Listed Companies. International Journal of Trade, Economics and Finance, 1(2), pp. 189-193.

34. Pasternak, M, Rico, C. (2008), Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis, Akron Tax Journal, pp.33-56.

35. Wu Tucker, Jennifer (2015), The Relation between Disclosure Quality and Reporting Quality: A Discussion of Cassell, Myers, and Seidel, April, pp.1-16. Electronic copy available at: http://ssrn.com/abstract=2606192.

36. Wang, X. (2010), Tax avoidance, corporate Transparency and firm value, Available at: http://ssrn.com / abstract = 1716474.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2026-11-09]